

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره هفتم ، شماره بیست و ششم ، زمستان ۱۳۹۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۶/۰۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۱۵

صفحات: ۹ - ۴۱

بررسی تأثیر قانون گرایی بر میزان پیشگیری و کاهش جرائم و تثبیت نظم و امنیت در جامعه

احمد شه باز^۱، سید محمود موسوی*^۲، مهدی رجبی^۳، علی نوروز دامغانی^۴

چکیده

قانون گرایی در مجامع و نوشته های علمی به عنوان مفهومی بکار می رود که به اصالت قانون و اصول قضایی و حقوقی در روابط بین مردم و دولت و همچنین روابط مابین خود مردم معتقد می باشد. بر طبق این عقیده در عرصه سیاست جهانی رفتار بین المللی ملاک عملکرد دول ، شرایط اخلاقی و اجتماعی نیست بلکه روابط حقوقی و شرایط تابعه آن معیار است. اکثر قانونگرایان بر این عقیده اند که دولت محصول قانون است و در مورد دولت ، جامعه و کشور باید تنها صلاحیت حقوقی ، قانونی و قضایی را در نظر بیاورد ، هرچند با اخلاق و مذهب متغایر و متضاد باشد. از سوی دیگر یکی از معضلات مهم جامعه ی امروز ، فرار از قانون در هر زمینه ای مشکلات زیادی را برای جامعه ایجاد کرده است. همزمان با گسترش انقلاب صنعتی و وسعت دامنه نیازمندی ها ، محرومیت های حاصل از عدم امکان تامین خواست ها و احتیاجات زندگی موجب توسعه شدید و دامنه دار فساد ، عصیان ، تبهکاری ، دزدی و بعنوان کلی جرم و جنایت شده است. به لحاظ حقوقی و قانونی جرم به هر فعل و یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازاتی تعیین کرده باشد تلقی می گردد. وجود رابطه معنا دار بین التزام به قانون و پیشگیری از جرم و کاهش جرائم و به تبع آن بالا رفتن میزان نظم و امنیت یک جامعه موضوعی است که در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: قانون گرایی ، نظم و امنیت ، کاهش جرائم ، قانون ، جرم

^۱- کارشناس ارشد ریاضی کاربردی- تحقیق در عملیات

^۲- کارشناس ارشد امنیت (نویسنده مسئول)

^۳- کارشناس ارشد امنیت

^۴- کارشناس مدیریت بازرگانی

۱. مقدمه

قانون مجموعه ای از دستورالعمل هاست که از سوی مجموعه ای از مؤسسات ، دستگاه ها و افرادی که دارای خلاقیت وضع و تدوین آن هستند نوشته و به اجرا گذاشته می شود. از سوی دیگر مسئله ای که به محض بروز قانون به وجود می آید حاکمیت قانون است. حاکمیت قانون دارای یک معنای عام و یک معنای خاص است در معنای عام به معنی وجود نظم در کشور . در معنای خاص اجرای قوانین موضوعه و قوانینی که مجلس و مقامات صالح کشور وضع کرده اند می باشد.

مفهوم دیگری که پس از حاکمیت قانون در یک جامعه بواسطه وجود قانون و حاکمیت آن لازم الوجود می باشد قانونگرایی می باشد. قانونگرایی عبارتست از سطح رعایت هنجارهای رسمی در برآورد انتظارات فردی یا گروهی از طریق حق شناسی ، انجام وظیفه ، قانع بودن به حقوق خویش و عدم تعرض به مصالح گروهی و اجتماعی.

قانون پیوند دهنده لایه های مختلف جامعه است از اینرو نقش و جایگاه مهمی در جامعه دارد. کارکرد اصلی قانون تنظیم رفتارهای اعضای یک جامعه است که بطور طبیعی دچار تعرض هستند. نقش قانون صحیح و مبتنی بر اصول انسانی ، تعیین حد و مرزها ، از بین بردن زمینه اختلاف ها ، رفع تجاوز متجاوزان ، داوری میان انسان ها ، نشان دادن راه تعالی و کمال ایجاد نظم ، برقراری عدالت و فراهم کردن زمینه ی تکامل انسان است.

بدلیل وجود جرائم و جرم در جامعه می باشد که وجود قانون و التزام به آن از اهمیت ویژه تری برخوردار گشته و وجود آن به عنوان یک جزء مهم در ساز و کار حقوقی یک جامعه بسیار مهم می باشد.

در مورد ارتکاب به جرم و انجام جرائم توسط افراد؛ مسائل و مؤلفه های بسیار زیادی دخیل بوده و ایفای نقش می نماید.

چطور می شود که انسان آزادی خود را که با ارزش ترین نعمت است بی ارزش بیندارد و کدام منطقی می پذیرد انسان زندگی خود را در لحظه ای از احساسات و هوس قرار دهد و با دست خود زندگی خویش را تباه کند. همه ی ما مجرمین بالفعل هستیم. تنها چیزی که موجب تمیز و تشخیص بین مجرم و غیر مجرم می شود این مطلب است که مجرم مرتکب جرم شده و سدهای انفرادی و اجتماعی نتوانسته اند او را از ارتکاب به جرم باز دارند و او در یک موقعیت خاص مرتکب عمل کیفری شده است. نمی توان بطور کامل مسئولیت تعلیم و تربیت را بر عهده آموزش و پرورش و خانواده گذاشت. برخی از آموزش ها بر عهده ی جامعه و روند اجرای طرح ها و قانون ها می باشد. کانون آموزش و پرورش به عنوان اصلی ترین نهادی که بعد از خانواده وظیفه تعلیم و تربیت را بر عهده دارد. یکی از کارکردهای مهم و اصلی خانواده و آموزش و پرورش آماده کردن فرزندان خانواده ها برای پذیرش قانون می باشد. یکی از مهم ترین مسائلی که در کاهش بروز جرائم مؤثر است آگاهی از قانون و پذیرش آن بعنوان رکنی از جامعه می باشد که عملکرد خوب خانواده ها و آموزش و پرورش در رسیدن به این هدف می تواند بسیار مؤثر باشد^۱.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

۲. عوامل مؤثر در بروز جرم:

در بروز جرائم مختلف که توسط افراد با سنین مختلف رخ می دهد عواملی دخیل هستند که در این بخش جهت شناختن این مؤلفه ها ضروری به نظر می رسد.

تأثیر عوامل زیستی:

تأثیر زیست شناختی وراثت و انتقال خصوصیات جسمانی ، عقلانی ، هوش والدین و اجداد انسان از دیر زمان موضوع مطالعه روانشناسان و علمای اخلاق بوده است و این موضوع تحت عنوان وراثت عقلی و اخلاقی مورد بررسی واقع شده است. در بین دانشمندان علوم زیستی و وراثت لمبرزو^۲ یکی از پیشگامان این نظریه است. این دانشمند طی آزمایشات متعدد و مطالعات طولانی خود راجع به ۳۸۳ جمجمه جنایتکاران ایتالیایی و ۵۹۰۷ بزهکار زنده نتیجه گیری کرد که برخی اختلالات بیولوژیکی علت بزه این افراد می باشد و بر اساس آزمایشات این فرضیه را ارائه نمود.

تأثیر عوامل روانی:

رافائل گاروفالو^۳ از معتقدان مربوط به تأثیر عوامل روانی در ارتکاب بزه است. بررسی و شناخت عوامل روانی مربوط به دانش روانشناسی جنائی است. از جمله رسالت های این دانش بررسی منش و شخصیت بزهکار و ارزیابی گرایش های ضد اجتماعی و مطالعه روان خودآگاه و ناخودآگاه آنان به منظور تعیین مسؤلیت اخلاقی و اجتماعی شان است. در مطالعه به بیماری ها و اختلالات روانی از قبیل نو روز ، سایکوز و روان پریشی مبتلا هستند. طبق دیدگاه های روانکاوی خانواده و والدین کودک نقش بسیار بزرگی در ساختن شخصیت معتدل و استوار انسان دارند. زیرا چنانچه سیر طبیعی رشد کودک تا پنج سالگی تکمیل نگردد و در طی یکی از مراحل توقف حاصل شود این امر سبب بروز اختلال ها و عکس العمل های ضد اجتماعی در رفتار آدمی خواهد شد.

بر طبق دیدگاه روانشناسان در تحلیل شخصیت بزهکار تمایلات و انگیزه های نا خودآگاه جایگاه مهمی دارند. از نظر این دانشمندان مجازات افرادی که به علل اختلالات

2 – M.A.Lemberzo

3- R.Garfauolo(1978)

روانی مرتکب بزه می شوند نه تنها متمر ثمر نیست بلکه آنان را به سوی جرایمی تازه سوق می دهد.

نقش عوامل اجتماعی در جرم:

برخی از دانشمندان عوامل محیطی و اجتماعی را منشا پدیده ی جرم تلقی می کنند. به نظر این دانشمندان جرم پدیده ای نیست که عوامل و شرایط جسمانی و روحانی افراد در آن تاثیر داشته باشد بلکه عاملی که سبب بروز جنایت می گردد جامعه و محیط است.

پروفسر لاکاسانی^۴ رئیس مکتب محیط اجتماعی ، عامل محیطی و فرهنگی را تنها موجب جرم معرفی کرده است. به نظر این دانشمند همانطور که هر میکروب در شرایط محیط خاصی اجازه رشد و نمو و تکثیر می یابد ، پدیده ی جرم نیز به مثابه میکروب در محیط و فرهنگ مربوط به خود نیز زاییده می شود فلذا از نظر وی منشا پدیده ی جرم تنها عوامل زیستی و روانی نمی تواند باشد و علاوه بر موارد ذکر شده مسائل اقتصادی و وضعیت نابهنجار آن می تواند در بروز جرم مؤثر باشد. مکتب سوسیالیست او جامعه اشتراکی را به عنوان جامعه ایده آل معرفی می کرد که طبق نظر آنان جرم زاییده نظام سرمایه داری است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۳. برخی از علل ارتکاب جرم و موارد مؤثر بر کاهش جرم:

پس از بررسی عوامل مؤثر در بروز جرم علل ارتکاب جرم در ادامه ی راه جهت شناخت ابعاد جرم لازم و ضروری به نظر می رسد که جهت جلوگیری از اطاله کلام به بیان برخی از علل ارتکاب جرم پرداخته خواهد شد و در ادامه مواردی که بر کاهش جرم تاثیرگذار هستند نیز به بحث و بررسی گذاشته خواهند شد.

برخی از علل ارتکاب جرم در جامعه شامل موارد زیر خواهد بود:

۱ - توجه به ارزش های مادی و بی توجهی نسبت به امور معنوی و اخلاقی ۲- بی اعتقادی و بی ایمانی برخی از مردم نسبت به اصول اخلاقی و ایمانی ۳- عدم آگاهی خانواده ها ۴- عدم آگاهی جامعه از قانون و راهکارهای قانونی که در مورد مسائل مختلف موجود است ۵- عدم قانون گرایی مردم و به نوعی قانون گریزی آنان ۶- عدم هماهنگی قوانین و نظام آموزشی با نیازها و اولویت های جامعه ۷- محیط پرورشی نامناسب و آموزش های نادرست ۸- ضعف کنترل اجتماعی جامعه ۹- وضعیت نابسامان اقتصادی و اجتماعی و برهم خوردن تعادل اجتماعی و اقتصادی ۱۰- مشکلات و مسائل روانی اشخاص ۱۱- توسعه طلبی و جاه طلبی صاحبان قدرت ۱۲- وجود تبعیض بین مردم ۱۳- کمبود موسسات آموزشی ، رفاهی ، تفریحی و ورزشی ۱۴- مهاجرت و شهرگرایی روستائیان در اثر بیکاری و....

در مورد کاهش جرائم نیز بجز موضوع مورد مطالعه که قانونگرایی می باشد که در جای خود به صورت وضعیت مفصل به آن پرداخته خواهد شد موارد دیگری دخیل هستند که به آن بصورت مختصر پرداخته خواهد شد.

۳,۱. سطح آموزش و تأثیر آن در کاهش جرائم:

همانطور که می دانیم فقر علمی و آموزشی موجبات ایجاد انحرافات هستند. به گونه ای که هر چه سطح آموزش افراد در جامعه بالا رود، از میزان ارتکاب به جرم کاسته خواهد شد. از بعد دیگری نیز می توان بیان نمود که هر چه سطح آموزش فردی که مستعد به انجام جرم است بالاتر می رود، میزان ارتکاب به جرم بیشتر می شود. به عنوان مثال در دنیای کنونی هکرها از جمله افرادی هستند که با داشتن هوش و سطح آموزشی بالا مرتکب به جرائم اینترنتی می شوند. بنابراین بطور حتم نمی توان بیان داشت که افزایش سطح علمی و آموزش ها می تواند به کاهش میزان جرم منجر شود.

بنابراین می توان عامل رشد سطح آموزشی علمی را همراه با رشد سطح آموزش فرهنگی هم پوشانی کرد به گونه ای که با افزایش آموزش های فرهنگی از طریق بالا بردن اخلاق فردی، در کنار آموزش های علمی می توان از میزان ارتکاب افراد به جرم کاست. همچنین به لحاظ اقتصادی می توان اذعان داشت که افزایش سطح آموزشی، سطح درآمد فرد را بالا می برد.^۵

۳,۲. پلیس و تأثیر آن بر کاهش جرائم:

پلیس به عنوان نهاد واسط امنیت، نمایان ترین وظیفه اش سازماندهی امور انتظامی جامعه به منظور برقراری نظم و امنیت عمومی برای کاهش جرم می باشد. بخش عمده ای از جلوه و نمود عملکرد پلیس در کلانتری ها و پاسگاه های انتظامی تبلور می یابد و در واقع، کلانتری و پاسگاه ها خط مقدم و پیشانی جامعه و اجتماع در کاهش جرم می باشد. زیرا از یک سو پاسخگویی به بسیاری از نیازمندی های پلیسی جامعه در حیطه وظایف و اختیارات آنها می باشد و از سوی دیگر وظیفه مهم ضابطین قوه قضائیه عمدتاً از طریق این مراکز صورت می پذیرد. همچنین عملی نمودن برنامه تقدم پیشگیری بر برخورد، در این حوزه قابل اجرا است.

۵ - حلوی، حسین (۱۳۸۸)، بررسی عوامل موثر بر بروز جرم و جنایت و راه های پیشگیری از آن، انتشارات رشد دانش، تهران

یکی از شاخه های پلیس اجتماعی استفاده از توانمندی جامعه در مواجهه با معضلات، مسائل، ناهنجاری و جرایم است و امروزه آموزش همگانی و مشارکت شهروندان از عناصر اصلی کار پلیس است.

با برگزاری جلسات توسط پلیس با خانواده ها، جوانان، اصناف و ارتباط و تعامل گسترده با دانشگاه ها، مدارس و دیگر نهادها و سازمان ها برای مهار جرم و افزایش احساس امنیت می تواند نقش مناسب داشته باشد، پلیس با تعاملات متقابل و مفیدی که با ساختار فرهنگی خانواده ها می تواند داشته باشد با بیان و تشریح پیامدهای انحراف اجتماعی در نقاط جرم سعی در گسترش روابط مناسب با زندگی افراد با یک روند اجتماعی مثبت و رویکرد مطلوب در رفتار اجتماعی افراد داشته است. همچنین تولید و انتشار محصولات فرهنگی چون کتاب، فصلنامه، لوح فشرده، برنامه های تصویری، انیمیشن و تبلیغات فرهنگی و اجتماعی در مکان های عمومی و خصوصی بر هدایت و پیشگیری از آسیب های اجتماعی کمک فراوانی خواهد کرد.^۶

۳.۳. ایجاد مراکز مشاوره و تاثیر آن بر کاهش جرائم:

ایجاد مراکز مشاوره با هدف ایجاد رابطه نزدیک، صمیمی و اعتماد آمیز بین پلیس با مردم، شناسایی ریشه ها و زمینه های رفتاری ناهنجار و بزهکاری، تلاش در جهت از بین بردن بسترهای بروز معضلات اجتماعی و پیشگیری از آنها، آگاه سازی جامعه به منظور افزایش توانایی های مقابله ای و ایجاد فرهنگ مشاوره در بحران های زندگی نقش مثبت دارد. که با راه اندازی دواير در کلا نتری ها و مدارس و نهادها و... اقدام دیگری است که با هدف تامین نقش حمایتی پلیس در جامعه، کاهش حجم موضوعات مربوط به جرم و اجرایی به مراکز قضایی، ایجاد در زمان لازم و مناسب بسیار برای مراکز انتظامی در رسیدگی به امور اساسی و پیشگیری از وقوع جرم در جامعه خواهد بود.

در این بخش به مددکاران ، افرادی که مورد خاصی دارند ارجاع داده شوند و کمک نموده تا ضمن ارائه خدمات مشاوره ای نسبت به رفع مشکل آنان اقدام و در صورت وضعیت امکان ، مابین طرفین دعوی مصالحه ایجاد نمایند.^۷

۳،۴. نقش دین در پیشگیری و کاهش جرائم:

یکی از عواملی که در پیشگیری و کاهش جرم اجتماعی ، تاثیر بسزایی دارد ، دین داری و ایمان به خداوند است. هنگامی که آدمی دور از چشم آشنایان ، همسایگان ، و دیگران است ، نه قانون و نه افکار عمومی و نه هیچ چیز اجتماعی دیگر کارهای وی را کنترل نمی کنند بلکه در این حالت ، کنترل کار در پرتو ایمان به قدرتی صورت وضعیت می گیرد که در همه مکان ها و زمان ها شاهد آدمیان است و به رفتار پسندیده و نیک پاداش می دهد. عواملی وجود دارند که می توان به آن اشاره داشت دین است. دین با ایجاد یک سامانه کنترل درونی قوی در انسان ها آنها را از انجام دادن کارهای خلاف و نا مشروع باز می دارد و سبب می شود که آدمیان خود را از لحاظ درونی کنترل کنند. بطور کلی می توان گفت که در پرتو دین داری به گونه ای انسان پرورش می یابد که وی نه تنها در حضور دیگران ، بلکه در خلوت نیز از جرم و گناه می پرهیزد.^۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۷ - منبع پیشین ، ۴ فصل چهارم ، صفحه ۳۰۴

۸ - اسلامی ، محمد ، (۱۳۸۹) ، امنیت در سایه دینداری ، نشر برگزیدگان ، تهران

۴. پیشگیری از جرائم و رابطه ی آن با قانون گرایی:

مقابله با پدیده ی جرم و آسیب های اجتماعی امری ضروری به نظر می رسد چرا که هیچ جامعه ای با وجود جرم و آسیب های عمومی نمی تواند زندگی امن و متعادلی داشته باشد.

جامعه امن آن است که در آن آسیب های اجتماعی کاهش یافته باشد. آسیب اجتماعی اعم از جرم است و شامل مواردی چون اعتیاد ، دزدی ، تکدی گری ، فساد اخلاقی و... می شود. فلذا وقتی از آسیب اجتماعی صحبت می شود مسائل مربوط به جرم را نیز در بر می گیرد با این تفاوت که فرد آسیب دیده ممکن است با انواع تنگناها و زیان ها روبرو شود ، اما مرتکب جرم نشود.

در جامعه مدنی و سالم باید از وقوع آسیب ها جلوگیری کرد. جلوگیری دو مرحله دارد:

مرحله اول آنست که قبل از وقوع جرم و آسیب از آن پیشگیری شود و مرحله دوم آنست که به افراد آسیب دیده و بزهکار کمک شود که خطرات و زیان های آنان افزوده نگردد و همانطور که پیداست پیشگیری بسیار کم هزینه تر ، راحت تر و کم خطر از مرحله دوم است و این دلیل پیدا کردن جایگاه ویژه پیشگیری می باشد.

۴،۱. قانون گرایی یکی از مهمترین مبانی پیشگیری:

قانون گرایی یکی از مهم ترین مبانی پیشگیری از وقوع و گسترش آسیب های اجتماعی می باشد. جامعه ی قانون، ضد جامعه ای است که در آن ضعیف و قوی هردو از کیفر قانون می هراسند. اگر در جامعه ای عده ای از افراد با وجود ارتکاب جرم مجازات نشوند

اما کثیری از مردم ضعیف جامعه با کیفیهای حاکمیت مواجه شوند ، بی تردید چنین قوانینی مشکلات بنیادی جامعه را حل نخواهد کرد. قانون گرای به معنای حرمت نهادن عموم جامعه اعم از دولت و مردم ، ضعیف و قوی و توانمند و فقیر به قانون است. بدون قانون هیچ جامعه ای نمی تواند از زیر بار آسیب ها و خطرات اجتماعی رهایی یابد.

عدالت یکی دیگر از مبانی پیشگیری از آسیب های اجتماعی است. وجدن پاک انسانی نمی تواند نسبت به وقوع جرم ، تبهکاری بی بند و باری و تزلزل ارکان جامعه بی تفاوت باشد و جامعه نا سالم را تحمل کند. این ملکه اخلاقی حکم می کند که باید از وقوع انواع آسیب های اجتماعی پیشگیری کرد چرا که با گسترش بزهکاری و هرج و مرج ، جامعه دچار آلودگی می شود.

دادگری از یک طرف به امنیت ، آرامش و رفاه جامعه کمک می کند و از طرف دیگر راه های پیشگیری از تحقق جرم و آسیب های عمومی را فراهم می سازد و سرانجام افراد آسیب دیده را به دادگاه پاک و غیر تبعیض آمیز می کشاند. وانگهی آنانی که با وجود رسیدن به مرز بزهکاری از ارتکاب جرم اجتناب کرده اند ، با بهره گیری از انواع سیاست ها و شیوه های معنوی یاری می رسانند.

حق جویی نیز از مبانی پیشگیری از وقوع بزه و آسیب فردی و اجتماعی است. آنکه عاشق و فدایی حق است نمی تواند نسبت به آسیب های اجتماعی بی توجه باشد. حقوق شهروندی دو وجه داد. از یک طرف همه ی افراد کشور از حقوق بنیادی برخوردارند و باید برای بهره مندی آنان از حقوق خویش یاری رساند و از طرف دیگر باید با اتخاذ سیاست ها و روشها و برنامه ریزی های مختلف از وقوع آسیب های اجتماعی جلوگیری کرد.

جامعه ای که در آنان انواع ناهنجاری ها از قبیل اعتیاد، نا امنی ، دزدی ، اختلاس ، رشوه ، فقر و... رواج دارد نمی تواند زندگی سرشار از رفاه و آسایشی داشته باشد. پیشگیری از آسیب های اجتماعی به کاهش هزینه های عمومی می انجامد. چنانچه کشوری به لحاظ برخورداری از رفاه و امنیت و آزادی بیان و... معضلی نداشته باشد از

آسیب های عمومی آن نیز کاسته می شود. فلذا اهتمام دولت ، نهادهای مردم نهاد و افراد خصوصی به کاهش آسیب های اجتماعی به رفاه و رشد و توسعه آن جامعه منجر خواهد شد.

سیاست رفع آسیب های اجتماعی سیاست برد - برد است به این معنا که هم افراد آسیب دیده از این سیاست بهره مند می شوند و از بار خویش بر جامعه می کاهند و هم جامعه با خیال راحت به فکر توسعه و رشد خود می افتد.^{۱۰}

۴،۲. قانون گرای مهمترین اثر پیشگیری

پیشگیری وقوع بزه و آسیب های اجتماعی داری اثرهای مفید بسیار زیادی می باشد. هزینه های پیشگیری با کاهش جرم و نا امنی و معضلات دیگر جبران می شود. یکی از مهم ترین اثرات و فواید پیشگیری قانون گرای می باشد. قانون گرای از مهم ترین آثار پیشگیری از جرم و فساد اجتماعی است.

بدون پیشگیری از وقوع جرم چگونه می توان به قانون مندی جامعه دل بست مگر ممکن است که جامعه ای به پیشگیری از بروز جرم و خلاف اهمیت قائل نشود و جامعه ای قانون گرا داشته باشد.

اگر دولتی می خواهد که مردم به قانون و حقوق شهروندی حرمت گذارند چاره ای جز برنامه ریزی کلان و جامع در زمینه پیشگیری از ناهنجاری های اجتماعی ندارد. به تجربه ثابت شده است که قوانین سخت گیرانه ، حبس و محرومیت های اجتماعی شدید به کاهش آسیب های اجتماعی منجر نمی شود.

این در حالیست که دولت ، نهادهای مردم نهاد و انسان های خیر خواه می توانند با صرف هزینه های حداقلی ، قانون گرا شدن جامعه را تضمین نمایند.

کاهش هزینه های اجتماعی از ثمرات دیگر پیشگیری از بروز جرائم و بی بند باری های فردی و اجتماعی است. جامعه حق دارد در فضای اعتماد و معنویت زندگی کند اما

۱۰ - صیفی ، محمد رضا ، (۱۳۸۹) ، پیشگیری از وقوع جرم و آسیب های اجتماعی ، نشر میزان ، تهران.

این امر با وجود انواع بی بند و باری ها و مفسادتحقق نمی یابد. دولت و مردم باید به این اصل اساسی توجه داشته باشند که ارتقاع اعتقاد عمومی به مثابه زندگی دنیوی است. اما برخی از دولت ها به جای حل بنیادی معضلات اجتماعی و افزایش نیروی انسانی در بخش های امنیتی و قضائی و نظامی بها می دهد. و به این ترتیب مردم و دولت نسبت به یکدیگر بی اعتقاد می شوند. افزایش امنیت و آسایش عمومی دو عنصر تکمیل کننده یکدیگرند اگر جامعه ای امنیت نداشته باشد تحقق آسایش نیز ممکن نخواهد بود. اما باید دانست که امنیت صرفاً با سخت گیری حاکمیت بر مردم و صرف هزینه های فراوان تامین نمی شود.

پیشگیری از جرم و ناهنجاری های اجتماعی به تامین امنیت و آسایش مردم کمک می کند.

۴.۳. راه های پیشگیری از جرائم:

در مورد چگونگی پیشگیری از جرائم راه های متعدد و گوناگونی وجود دارد که به صورت وضعیت فهرست وار جهت جلوگیری از اطاله ی کلام به آن پرداخته خواهد شد.

راه های مدنی: که شامل زیرشاخه های زیر می باشد

الف) افزایش نظم و امنیت عمومی ب) ارتقاء حقوق شهروندی ج) جلوگیری از گسترش بی اعتمادی

راه های آموزشی: شامل عنوان های ذیل می باشد:

الف) همگانی کردن آموزش ب) رشد میزان تحقیقات و فناوری

راه های سیاسی:

الف) آزادی احزاب ب) کاهش حذف مخالف ج) سیاست های رفع تنش داخلی و بین المللی د) استقلال کشور.

راه های رفاهی - اجتماعی:

الف) توجه به اقشار آسیب پذیر ب) تولید کار ج) کاهش فقر عمومی

راه های فرهنگی:

الف) کاهش تجملات ب) بیدار سازی ج) پشتیبانی از تولیدات فرهنگی و هنری

راه های دینی:

الف) نواندیشی دینی ب) جهان بینی توحیدی

راه های اقتصادی:

الف) تولید فناوری ، اشتغال و تجارت ب) صرفه جویی

راه های قضایی:

الف) جرم زدایی ب) رسیدگی سریع به شکایت مردم ج) گسترش دادگاه های

تخصصی

راه های اطلاع رسانی:

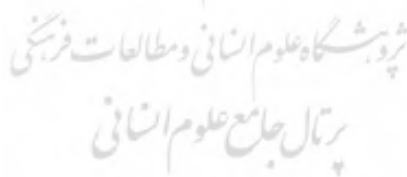
الف) گسترش اطلاع رسانی آزاد ب) گسترش دورکاری ج) ایجاد محدودیت برای

شبکه های مخرب

راه های رسانه ای:

الف) گسترش رسانه های دولتی و خصوصی ب) فراهم کردن زمینه های طرح آزادانه

مسائل مختلف اجتماعی و سیاسی ج) رقابتی کردن فعالیت های رادیویی و تلویزیونی



۵. قانون گرایی ؛ قانون گریزی

قانون از جمله پیچیده ترین مقوله های است که بشر در طول زیست خود بر روی کره خاکی با آن مواجه بوده است. در واقع با زیر عنوان قانون است که نظم معنا پیدا کرده و انسان با دیگر هموعان خویش ارتباط و تعامل برقرار می کند. قانون به عنوان نمونه ای از

قراردادهای اجتماعی، حوزه های مختلفی را در زندگی از قبیل، اقتصاد، سیاست، حقوق، خانواده و کسب و کار و... در بر میگیرد.

یکی از عوامل پیشرفت جوامع توسعه یافته وجود قوانین مدون شفاف و صریح می باشد. اگر قوانین گنگ و نارسا و در هم پیچیده باشند و هر کدام دیگری را نقض کنند، در هیچ یک از حوزه های اجتماع نمی توان امیدوار بود که چنین قوانینی گره از مشکلات فردی باز کنند و ترقی و پیشرفت را به همراه آورند. اینکه انسان های بی شماری در یک مسیر تعریف شده گام برداشته و امور روزمره خود را انجام می دهند، خود متأثر از وجود قانون در زمینه های مختلف در جامعه می باشد.

قانون گرایي به معنا ضابطه مند و قاعده مند بودن رفتار های انسانی در قالب هنجار های تدوین شده و مورد پذیرش اکثریت افراد جامعه و باعث تداوم و قوام جامعه است. قانون گرایي پیامدها، آثار و تبعات بسیار زیادی برای جامعه دارد و تحقق بسیاری از اهداف اجتماعی متضمن رعایت قوانین و مقررات است. به عنوان نمونه تحقق آزادی، اقتدار حاکمیت، عدالت اجتماعی، امنیت اجتماعی، هویت ملی، توسعه اجتماعی - سیاسی و بسیاری دیگر از اهداف اجتماعی را می توان نمونه های از این مدعا دانست.

نهاد مند شدن روابط در جامعه و یا به نوعی تحقق حاکمیت و قانون در جامعه از شاخصه های جوامع توسعه یافته و از اهداف عمده توسعه سیاسی است. از این رو هنگامی که از حاکمیت قانون در جامعه به معنای کلی آن سخن به میان می آید، منظور حاکمیت ضوابط و اصولی است که از سطح خرد و فردی تا سطح کلان که دولت و حکومت باشد جریان دارد.

به بیان دیگر شکل گیری و نهادینه شدن ساز و کارهایی برای حل منازعات و تنظیم روابط در درون ساخت جامعه می باشد. حاکمیت قانون را می توان این چنین تعریف کرد که (وجود زمینه های ذهنی و عینی برای تطبیق قانون و برتری قانون نسبت به تمام مراجع دیگر در جامعه می باشد).^{۱۱}

مهمترین کارکرد قانون، تنظیم روابط میان دولت و شهروندان از سویی و شهروندان با هم از سوی دیگر است. با پیچیده تر شدن دو نوع تعامل یاد شده، نقش قانون و بالطبع مفهوم حاکمیت قانون، برجسته تر و قابل ملاحظه تر شده است. ضمن آنکه در تمام جوامع، قضات از طریق قانون تامین کننده امنیت و آزادی هستند. قانون، تعیین معیارها و ضوابط ثابتی است که برای همگان ایجاد و حق و تکلیف می کند و افراد جامعه بر اساس آن روابط خود را تنظیم می کنند و به این ترتیب هر کس از حقوق خویش آگاه می شود.

دستگاه های اجرایی کشور بر اساس قانون، حد و مرزها را تعیین و با ابزار و وسایل تسهیل کننده و یا باز دارنده، افراد و جامعه را به اجرای قانون دلالت می کنند. درست است که افراد و اجتماعات و نهادها، بالقوه مطیع قوانین حاکمند اما نباید فراموش کنیم که تخطی از قوانین همواره از سوی بسیاری از افراد جامعه انجام می شود. قانون گریزی نوعی جهت گیری نسبت به هنجارهای قانونی جامعه است که منجر به کج روی یا انحراف از قوانین می شود.

در همه جوامع قانون گریزی به عنوان یک مسئله ی خاص اجتماعی وجود دارد. مقایسه رفتارهای اجتماعی ملت های مختلف حکایت از آن دارد که این پدیده در میان برخی از ملل، شدید و در برخی دیگر ضعیف است. در بعضی جوامع پاره ای از قوانین آنچنان در عادات و رفتار مردم نهادینه شده اند که زیر پا گذاشتن یا گریز از آنها حیرت آور و وقاحت تلقی می شود در حالیکه برای برخی از جوامع رعایت دقیق همان دسته از قوانین عبث و کسالت آور است.

جامعه ما تجربه ای صد ساله در امر قانون گذاری دارد ولی در طول همین زمان قانون گریزی را نیز تجربه کرده است. در تفکر بسیاری از افراد جامعه ی ما قانون برای شکستن و نظم برای از بین بردن، تدوین و ایجاد شده است. تسلیم و شکسته شدن قانون در مقابل تصمیم و عملکرد قانون شکنان فاجعه ای تلخ و غیر قابل تحمل است که عواقب جبران ناپذیری را در پی خواهد داشت.

از سویی دیگر قانون گریزی را باید شکلی از رفتار نظام تلقی کرد. در اینصورت تحلیل چنین رفتاری را می توان تحلیل درونی رفتار سیستم نامید. در این شیوه تبیین رفتار نظام های اجتماعی مستلزم بررسی فرایندهای درونی نظام است که اجزای تشکیل دهنده یا واحدهای آن را در سطح پایین تر از سطح نظام در بر می گیرد. پیش فرض این شیوه ی تحلیل آن است که با شروع از سطح فردی امکان مداخلات اجتماعی و بهبود اوضاع بیشتر می شود. بر اساس تحلیل فوق قانون گریزی را می توان به سه دسته قانون گریزی ابزاری، اعتراضی و اخلاقی ترسیم کرد. در قانون گریزی ابزاری کنشگر در موقعیت کنش به محاسبه سود و زیان ناشی از عدم اطاعت می پردازد و به این نکته آگاه می شود که کنش غیر قانونی در مجموع سود بیشتری برای او در بر دارد. این نوع کنش دقیقاً آگاهانه است. عوامل ساختاری و اجتماعی متعددی شرایط این شکل گیری این نوع کنش را فراهم می سازد.

از عواملی که شرایط شکل گیری این کنش را فراهم می سازند عبارتند از:

۱- ناکارآمدی نهاد های تشخیصی ۲- ناکارآمدی نهاد های قضایی و تنبیهی ۳- نابسامانی (آنومی)

در قانون گریزی اعتراضی چه بسا تعهد هنجاری به قانون مبتنی بر اخلاق شخصی می باشد و لیکن مبنای اطلاعات شخصی از قانون ارزیابی وی از قانون به عنوان امر درست و منصفانه است. تفاوت هنجاری از طریق مشروعیت به اطاعت از قانون منجر می شود. در این حالت شخص احساس می کند که صاحبان اقتدار یا کسانی که قانون را وضع یا حفظ می کنند حق مشروع اعمال زور و رفتار قانونی را دارند.

در قانون گریزی اعتراضی عدم مشروعیت قانون و نهادها و مجریان آن مبنای جهت گیری قانون گریزانه را شکل میدهد. در این حالت هنجارها و الزام های موجود از بین می رود. عدم مشروعیت قانون گزار یکی دیگر از مسائلی است که در قانون گریزی اعتراضی باید به آن پرداخته شود. رشد آگاهی های مردم، پیدایش زنان فعال و تحصیل کرده، پیدایش نسل جدیدی که در فضاهای رایانه ای و رسانه ای با گزینه های دیگری از زندگی

سیاسی آشنا شده است و در مجموع گروهایی از جامعه که خواستار مشارکت در عرصه های زندگی اجتماعی و سیاسی هستند زمینه ای را فراهم ساخته است تا مشروعیت قانون و قانون گزاران به چالش کشیده شود.

در قانون گریزی اخلاقی از آنجایی که قوانین با ارزش های اخلاقی و درونی فرد با هم همخوانی دارند فرد خود را ملزم به انجام و گردن نهادن به قانون می داند. اما شخص ممکن است دست به اعمالی بزند که علی رغم پیوستگی اش با ارزش های درونی وی با ارزش های جمعی همخوانی نداشته باشد.

یک حالت از این وضعیت زمانی است که شخص عامدانه کنش اعتراضی خود را سامان می دهد که در مباحث قبلی به آن پرداخته شد. اما در حالت دیگر شخص عامدانه نسبت به قوانین جمعی حاکم یا هنجار های اجتماعی موضع نمی گیرد. او صرفاً بر اساس آن چه که خود درست می پندارد عمل می کند. در چنین وضعیتی از نظر عامل ، انجام و یا جهت گیری عمل او قانون گریزانه نیست بلکه عمل فقط از نظر ناظر عمل قانون گریزی محسوب می شود.^{۱۲}

به طور کلی برای جلوگیری از قانون گریزی باید به دنبال راهکاری مناسب و در خور این پدیده باشیم. به نظر می رسد با کمک نظارت و بازرسی های پی در پی بتوان به مقابله با قانون گریزی پرداخت. امر نظارت و بازرسی در سازمان ها یکی از وظایف اصلی مدیریت محسوب می شود که تاریخ آن نیز بسیار طولانی بوده و نشان از اهمیت آن در حفظ دوام و بقاء سازمان های بشری در ادوار مختلف تاریخی دارد. نظارت فعلیتی است که (باید ها) را با (هست ها) ، (مطلوب ها) را با (موجود ها) و (پیش بینی ها) را با (عملکردها) مقایسه می کند و نتیجه ی این مقایسه تصویر روشنی از تشابه یا تمایز بین این دو گروه از عوامل خواهد بود که در اختیار مدیران سازمان قرار می گیرد.

تعاریف متعدد و گوناگونی از نظارت و کنترل ارائه شده است که در همه آنها یک نقطه ی اشتراک وجود دارد و آن اینکه نظارت عبارتست از مقایسه بین آن چه هست و آنچه که باید باشد.^{۱۳}

۶- قانون گرایي و رابطه ی آن با کاهش جرائم :

توجه به قانون سابقه ای دیرینه دارد. مهمترین هدف قانون گذاری به وجود آوردن نظم و امنیت و تعیین حد و مرز اختیارات و وظایف افراد در روابط اجتماعی است. این امر موجب بقای قانون ، عدالت و عدم گرایش انسان ها به بی نظمی ، هنجاشکنی و قانون شکنی می گردد.

قانون ستیزی به عنوان یک معضل اجتماعی سلامت جامعه را تهدید می کند بر خاسته از ناسازگارهایی است که بر روابط فرد و جامعه حاکم است. این ناسازگاری ها که معلول عوامل خرد و کلان است سبب می شود تا همبستگی و انسجام اجتماعی تضعیف شود و وحدت سازمان جامعه به خطر افتد و در نهایت بی هنجاری بر جامعه حاکم گردد. پذیرش قانون و مقررات در جامعه از سوی عموم مردم موجب ایجاد نظم در سطوح و عناصر مختلف اجتماع می شود.

جوامعی که موفق به درک مراحل توسعه شده اند معمولاً از افراد منضبط و مقید به قانون برخوردار بوده اند. نظر به اینکه قانون پذیری با نظام های شخصیتی ، فرهنگی ، اجتماعی و سیاسی جامعه مرتبط می باشد می تواند کارکرد های متعددی داشته باشد.

۶،۱- کارکردهای قوانین

قانون پذیری دارای کارکردهای سیاسی ، شخصیتی ، اجتماعی ، اقتصادی و جمعیتی است. از نظر سیاسی درجه های قانون پذیری افراد هر جامعه نقش و وظایف دولت ها را تغییر می دهد. بعنوان مثال در صورت بالا بودن میزان عدم قانون پذیری دولت ها مجبور به سرکوبی افراد و اعمال زور و اجبار می شوند. از نظر شخصیتی افراد قانون گرا افرادی متعادل ، منسجم و با ثبات هستند. از نظر کارکرد های اجتماعی بقای هر جامعه و استقرار نهادهای اجتماعی آن در درجه اول وابسته به جایگاه قوانین آن دارد.

بالا بودن میزان قانونگرایی افراد با انسجام جامعه و دوام نهادها رابطه مستقیم دارد. از نظر اقتصادی نیز می توان گفت که میزان قانون پذیری افراد جامعه به روند توسعه کمک می کند. مثلاً یک جامعه قانونمند که قوانین آن در فرد فرد آن درونی شده است پرداخت به موقع مالیات و عوارض ، حق بیمه و... می تواند بر توسعه یک جامعه تاثیر داشته باشد و نهایتاً اینکه از نظر کارکرد جمعیتی نیز قانون پذیری یک راه رسیدن به جمعیت متعادل و متناسب است.

۶،۲: شاخص های قانون گرایی

به منظور پی بردن میزان قانون گرایی و قانون پذیری افراد جامعه و درجه سازگاری آنها با قوانین و مقررات موجود شاخص های مختلفی وجود دارد. با توجه به گسترش دامنه قانون پذیری این شاخص ها به شرح زیر در ابعاد گوناگون فرهنگی ، شخصیتی و روانی ، اجتماعی و حقوق قابل مطالعه می باشد.

الف) نگرش مثبت به جامعه:

یکی از اهداف اجتماعی شدن ایجاد آرزو و امید ویا به عبارتی دیگر ایجاد نگرش در فرد است. از آنجا که ابتدای هر عمل و رفتار از ذهن شروع می شود برای اجرای قانون و پایبندی عملی باید جامعه نگرش مثبتی به آن داشته باشد. نگرش نسبت به قانون ، افکار و شخصیت افراد را متاثر ساخته و نمود عینی خود را در رفتارهای آنها پیدا می کند.

ب) کاهش ارتکاب جرائم:

یکی دیگر از شاخص های عمده قانون گرای و قانون پذیری در هر جامعه ای میزان ارتکاب به جرائم می باشد. قانون پذیری یک دفاع اجتماعی را در مقابل جرائم و بزهکاری به وجود می آورد.

ج) افزایش مشارکت اجتماعی:

می توان گفت بین قانون پذیری و میزان مشارکت اجتماعی رابطه مستقیمی وجود دارد. افرادی که درجه قانونگرایی آنها بیشتر است ، معمولا در بسیاری از امور اجتماعی عام المنفعه مشارکت پیدا می کنند. باید توجه داشت که ارزش های فرهنگی پیش نیاز اساس برای وصول به مشارکت اجتماعی محسوب می شود.

د) بالا بودن انسجام اجتماعی و تثبیت نظام حقوقی :

در هر جامعه ایی که افراد آن احترام به قانون و رعایت آن را برای خود یک فریضه به حساب می آورند می توان درجه بالایی از انسجام اجتماعی را در آن جامعه مشاهده نمود. روح همکاری با ساخت نیرومند جامعه و رقابت و فرد گرایی با ساخت ضعیف جامعه همراه است. از سویی دیگر نظام حقوقی عبارت از مجموعه مقررات آئین نامه ها ، قواعد و ضوابطی است که اجرای آنها موجب بقاء و استقرار نظام اجتماعی می شود. هر چه درجه قانون گرایی افراد بیشتر باشد حاکمیت نظام حقوقی و تثبیت کارکردهای آن تسهیل می شود.

۳،۶- فرآیند قانونگرایی و انواع آن

روند قانونگرایی طی فرایند اجتماعی شدن آدمی ، از کودکی به دست می آید. اجتماعی شدن فرآیندی است که کودکان به کمک آن ارزش ها ، باورها و معیارهای رفتاری را که فرهنگشان از آنها انتظار دارد می آموزند. بعارت دیگر منظور از اجتماعی شدن یا جامعه پذیری^{۱۴} آن است که یک انسان از بدو تولدش چگونه با جامعه و فرهنگ آن انطباق می یابد.

از طریق اجتماعی شدن افراد شیوه های زندگی جامعه شان را فرا می گیرند ، شخصیتی کسب می کنند و آمادگی عمل به عنوان یک عضو جامعه را پیدا می کنند. افراد یاد می گیرند خودشان را با سیستم جدید انطباق داده و رفتاری مطابق با انتظارات جامعه انجام دهند.^{۱۵} قانونگرایی به معنای پذیرش آگاهانه و آزادی اکثریت مردم از قوانین و مقررات در جامعه و عمل به آنهاست. قانونگرایی با ویژگی های شخصیتی فرهنگ عمومی جامعه ، ساختارهای عمومی و سازمان افکار و شخصیت افراد مرتبط است. نوع شناسی قانونگرایی از این نظر که افراد نسبت به قانون و پذیرش آن چگونه عمل می نمایند مهم ارزیابی می گردد دو شکل اصلی آن عبارت است از :

۱. قانون پذیری اجباری :

که اغلب در حکومت های استبدادی مشاهده می شود یعنی بدون کنترل اجتماعی به قوانین عمل نمی شود.

۲. قانون پذیری آزادی:

که در جوامع آزاد و قانونمند و به دلیل درونی شدن در فرآیند جامعه پذیری یا رضایت قلبی صورت می گیرد.

در مورد موانع قانونگرایی و در واقع قانون گریزی افراد در ایران قبلا توضیحاتی ذکر گردید که به طور کلی در دو بعد موانع عام و موانع خاص قابلیت بررسی دارند. در مورد موارد

14 - Socialization

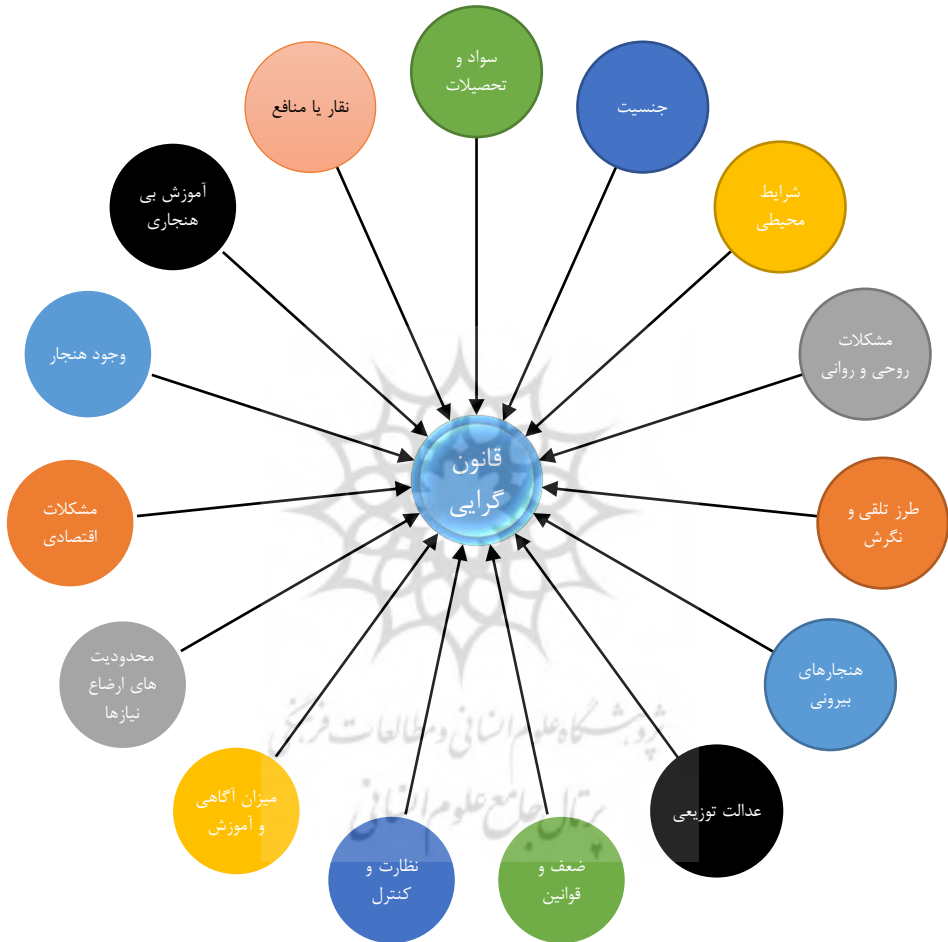
15 -Boudon . Bourricaud (1989) .Law and aplicution . 357

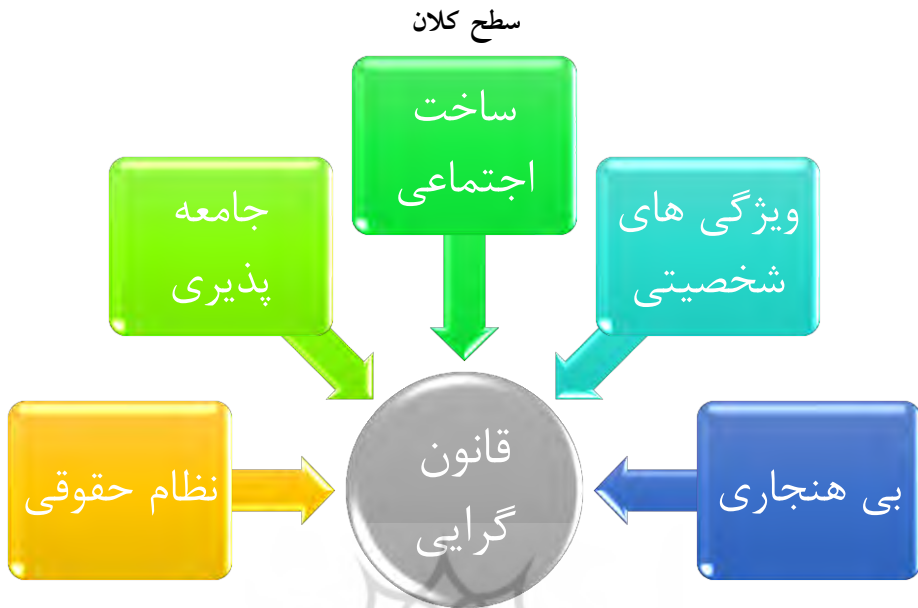
عام ، محیط بین المللی ، ویژگی های تاریخی ، ویژگی های محیط طبیعی و ویژگی های جمعیتی دخیل هستند و در موقع موانع خاص ویژگی های فرهنگی ، اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی ، ویژگی های شخصیتی افراد در سطح جامعه وضعیت و ویژگی های نهاد های مستقل مدنی ، نوع روابط تعاملات فی ما بین عناصر سه سطح فوق ، الگوی کنش اجتماعی ویژگی های خود قوانین و میزان تناسب و هماهنگی آنها با شرایط جامعه قابل احصاء می باشد .

در رابطه با قانونگرایی و تاثیر آن بر کاهش جرائم دو فرضیه در دو سطح خرد و کلان وجود دارد که جهت جلوگیری از اطاله ی کلام نمودار آن رسم میگردد.



سطح خرد





با توجه به مسائل ذکر شده فوق به بررسی ارتباط بین قانون‌گرایی و مؤلفه‌های موثر بر آن موارد زیر را می‌توان بیان داشت: ۱

۱- بین قانونگرایی و ویژگی های شخصیتی مثل میزان سواد افراد رابطه ای معنا دار وجود دارد به طوری که با افزایش میزان سواد و تحصیلات افراد گرایش به قانون گرایی و قانون پذیری بیشتر میشود. از این رو می توان انتظار داشت هر چه بر اطلاعات ، دانش و تحصیلات افراد در جامعه افزوده شود قوانین و مقررات از اقبال و پذیرش عمومی بیشتری برخوردار می گردند.

۲- بین قانونگرایی و ساخت اجتماعی با مشخصه مشکلات اقتصادی جامعه رابطه معکوس وجود دارد به طوریکه هر چه افراد از مسائل و مشکلات اقتصادی برخوردار باشند گرایش آنها به شکستن هنجارها و قوانین افزایش می یابد و یکی از دلایل این موضوع تمکن مالی در پرداخت جریمه های هنجار شکنی ها می باشد که خود جای بحث و تامل دارد.

۳- شرایط آنومیک یا بی هنجاری اجتماعی بر میزان قانونگرایی اثر منفی می گذارد. مطالعات متعددی^{۱۶} که در این زمینه صورت پذیرفته است نشان می دهد که بین دو متغیر عدم وجود هنجار و قواعد حقوقی و قانونگرایی رابطه معکوس وجود دارد بطوریکه هر اندازه شرایط محیطی و اجتماعی جامعه از هنجارها و قواعد حقوقی روشن و واضح برخوردار باشد میزان و گرایش قانون و مقررات نزد افراد افزایش می یابد.

۴- بین دو متغیر جامعه پذیری و قانونگرایی رابطه ای معنادار وجود دارد. بصورت تجربی این فرضیه در قالب روابط بین دو متغیر میزان آموزش و آگاهی و قانونگرایی دیده می شود.

بر اساس این دو فرضیه اگر نهادهای مسئول بتوانند نقش و تاثیرات مثبت خودشان را در ارائه آموزش ها و آگاهی های لازم و کافی به افراد ایفا کنند و چگونگی زیستن در اجتماع را به درستی بیاموزند و از طرف دیگر آموزش های رسمی و غیر رسمی به افراد

۱۶ - نظرسنجی از مردم تهران درباره چگونگی رعایت قانون (۱۳۸۴) مرکز تحقیقات و مطالعات و سنجش برنامه های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

داده شود می توان انتظار داشت قانونگرایی و قانون پذیری در جامعه نهادینه شود و میزان گرایش و پذیرش قانون و مقررات نزد افراد افزایش یابد.

۵- یکی دیگر از مسائلی که بر قانون گرایی در سطح جامعه و در اثر آن کاهش جرائم اثر مستقیم دارد کارآمدی نظام قوانین است. اگر در قوانین و نحوه ی تدوین چگونگی اجرای آن ضعفی وجود داشته باشد قطعاً این ضعف در میزان قانونگرایی مردم جامعه اثر خود را نشان خواهد داد. بر این مبنا اگر دستگاه های قانون گرا و نهادهای مسئول قوانین کارآمدی را وضع نکنند و از سوی دیگر خلاء قانونی، ضعف ها و ابهاماتی در محتوای قوانین دیده شود، این دسته از قوانین با اقبال عمومی در سطح پایین مواجه می شوند.

۶- نظام حقوقی مبتنی بر اعتقادات، باورها، گرایشات، تمایلات و نگرش ها از دیگر مسائلی است که بر قانون گرایی اثر داشته است. این فرضیه در سطح خرد بین دو متغیر تحصیلی و اجباری بودن قوانین و قانون گرایی آزمایش شده است بر این مبنا لازم است قانون گذاران با درک صحیح از شرایط زمانه، تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور و جهان و با در نظر گرفتن گرایشات، تمایلات، باور ها و نگرش های مردمی قوانین پویا و با قابلیت اجرایی بالا را وضع کنند. در چنین صورتی است که می توانند انتظار داشت میل بر گرایش مردم به قانون گرایی و قانون پذیری نزد مردم افزایش یابد.

حقوقدانان و جامعه شناسان متعددی^{۱۷} بر این نظرند که قوانین موضوعه یک کشور باید قوانین زنده باشند. منظور از زنده بودن انطباق قوانین با روحيات، نگرش ها و باورهای عمومی و درک صحیح از شرایط و مقتضیات کنونی جامعه انسانی است. لذا می توان نتیجه گرفت در شرایطی که این انطباق وجود نداشته باشد قانون و مقررات بر مردم تحمیل شده و مردم در مرحله جبر گرایی قرار می گیرند و فرار از قانون افزایش می یابد.^{۱۸}

۱۷- ارلیک، جی، کرایب، یان، (۱۳۷۸) نظریه اجتماعی مدرن، ترجمه عباس فخر، انتشارات آگاه، تهران

۱۸- محسنی، علی، (۱۳۸۹) حقوق دادرسی، انتشارات میزان، تهران

۷. نتیجه گیری

همانطور که در بخش های قبلی به تعدد ذکر گردید قانون به مجموعه ای از دستور العمل ها، روش ها و چگونگی انجام اموری تلقی می شود که از سوی مجموعه ای از افراد، موسسات و یا مجموعه ای که دارای صلاحیت این امر می باشند تدوین می شود. وجود قانون در یک جامعه باعث ایجاد نظم خواهد شد این نظم به دلیل این می باشد که قانون برای همه ی افراد از خود قانون گذار تا پایین ترین سطح از افراد جامعه لازم الاجرا می باشد و همه ملزم به رعایت آن می باشند.

در واقع همه گیری قانون است که سبب بروز این نظم می شود. با توجه به عوامل موثر بر قانون گرایی و اثر آن بر جامعه مشخص گردید که قانون گرایی و التزام جامعه و افراد آن به قانون اثراتی خواهد داشت که مستقیماً در جامعه مشهود می باشد. یکی از مهمترین اثرات قانون گرایی کاهش جرائم است. این نتیجه را می توان از راه های مختلف احصا نمود. متأسفانه در سالهای اخیر با پدیده ازدیاد تشکیل پرونده در محاکم قضایی و افزایش تراکم جمعیت در زندان ها مواجه شده ایم که علت اصلی آن درست اجرا نشدن قانون در جامعه از یک سو و عدم التزام مردم به اجرای قانون می باشد.

از سوی دیگر در بسیاری از محاکم قضایی این مساله به تجربه ثابت شده است که قانون گرایی مهمترین راه پیشگیری از جرم و در نتیجه ی آن کاهش جرائم است.^{۱۹} از سوی دیگر چون قانون گرایی به اصالت قانون و اصول قضایی و حقوقی در روابط بین مردم و دولت و فی ما بین خود مردم معتقد است ارتباطی تنگاتنگ بین عمل به قانون و مردم جامعه وجود دارد به گونه ای که هر چه میزان التزام مردم به رعایت قانون بیشتر باشد نشان دهنده ی اصالت قانون و حاکمیت آن در جامعه خواهد بود.

مقصود از قانون گرایی حفظ و اجرای قوانین به طور عادلانه و رعایت حقوق همه افراد و شهروندان جامعه است بنابراین جامعه ای قانون مدار و قانون گرا محسوب می شود که قوانین در آن کاملا رعایت شود و همه آحاد جامعه در برابر قانون مساوی بوده و رهبران آن قانون پذیرترین افراد در جامعه می باشند.

فلذا تساوی افراد در جامعه در قبال عمل به قانون و تساوی مجازات ها مساله ای است که در قانون گرایی در افراد شاخص بوده و هر چه این شاخص قوی تر باشد قطعا ارتکاب جرایم کمتر خواهد بود.

۸. پیشنهادات :

جهت افزایش قانون گرایی افراد در جامعه و به سبب آن کاهش بروز جرائم پیشنهاداتی ارائه می گردد که به سبب عملی نمودن این پیشنهادات انتظار می رود افراد به انجام و عملی نمودن قانون متمایل تر گردند:

۱- افزایش شاخص های توسعه اقتصادی در جامعه از جمله نرخ اشتغال ، میزان در

آمد ، کاهش بیکاری و ...

۲- ارتقاء شاخص های توسعه فرهنگی از جمله رعایت قانون ، رعایت حقوق دیگر

افراد در جامعه

اولویت بخشیدن منابع و مصالح اجتماعی بر منافع فردی ، ایجاد فرهنگ نظم پذیری

جمعی و ...

۳- توسعه نظام قضایی و توسعه و بهبود در نظام حقوقی جامعه

۴- وضع قوانین کارآمد ، مفید ، به روز ، صریح ، قابل اجرا و اثر بخش در جامعه

- ۵- قوانین باید آنقدر صریح ، روشن و واضح و به دور از ابهامات باشند که هیچ فردی نتواند آنرا تفسیر به رای و به نفع خود بنماید.
- ۶- مجازات به موقع متخلفین از قانون و سنگین تر نمودن مجازات ها از یک سو و تجدید نظر در میزان جریمه های نقدی ، به دلیل اینکه میزان جریمه نقدی تخلف ها با توجه به تورم افزایش پیدا نکرده و بعضا بابت جرمی بزرگ جریمه ای بسیار اندک در نظر گرفته شده که این روند باعث افزایش جرائم به سبب کم بودن جریمه های آن می باشد.
- ۷- در وضع قوانین باید به باورها ، گرایشات ، نگرش ها و تمایلات و ارزش های مردم با توجه به سطح فرهنگ و نوع آموزه های آنها توجه شود.
- ۸- بهبود در نظام آموزشی و همگام کردن آن با ایجاد فرهنگ قانون پذیری در جامعه از طریق گنجاندن درس قانون و قانون پذیری در کتب درسی و همچنین ارائه آموزش های لازم به دانش آموزان به منظور نهادینه شدن احترام به قانون از همان دوران کودکی به گونه ای که برای آنها به عنوان یک فرهنگ اصلی نهادینه شود.
- ۹- ساخت فیلم ها و سریال های مفید و سازنده که در آن بر لزوم حفظ و احترام به قوانین بر همگان توصیه می شود.
- ۱۰- شناسایی شرایط نامساعد و تلاش در جهت بهسازی و توسعه شرایط محیطی به منظور ایجاد انگیزه ها و افزایش فرهنگ قانون گرایی.
- ۱۱- فعال سازی نهاد خانواده از طریق اجرای قوانین و مقررات و دغدغه به موقع و درست انجام دادن آن از سوی والدین ، ارائه آموزش های لازم از سوی والدین به فرزندان در مورد تاکید بر پایبندی و احترام به قوانین و مقررات و ...
- ۱۲- با توجه به نقش بسیار موثر رسانه های دیداری ، شنیداری و نوشتاری پیشنهاد می گردد برنامه هایی سازنده در صدا و سیما و انتشار آئین نامه ها و تبلیغات تشویقی جهت التزام به قانون در کتب ، مجلات و روزنامه ها در راستای تقویت روحیه قانون گرایی در سطح جامعه.

۱۳- برای حمایت و اجرای قانون ، باید علاوه بر ضمانت اجرایی منفی ، از تشویق و ارائه جوایز برای کسانی که حکم آنرا اجرا می کنند استفاده کرد.

۱۴- اجرای قوانین و لزوم پایبندی به آن بایستی یک اصل همگانی شناخته شود و از تبعیض در اجرای قانون و تاکید بر رعایت دقیق از سوی بخشی از مردم شدیداً پرهیز شود.

۱۵- استفاده بهینه از سرمایه های اجتماعی جامعه از طریق جلب اعتماد مردم به قوانین و قانون گذار و حذف نگرش های منفی در این خصوص.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ۱- اسلامی، محمد(۱۳۸۹)، امنیت در سایه ی دین داری، نشر برگزیدگان، تهران.
 - ۲- ارلیک، جی، کرایب، یان(۱۳۷۸)، نظریه ی اجتماعی مدرن؛ ترجمه ی عباس فجر، انتشارات آگاه، تهران.
 - ۳- حلوی، حسین(۱۳۸۸)، بررسی عوامل موثر بر بروز جرم و جنایت و راه های پیشگیری از آن، انتشارات رشد دانش، تهران.
 - ۴- دورکیم، اصیل(۱۳۶۰) فلسفه و جامعه شناسی، ترجمه ی فرحناز خمسه ای، وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
 - ۵- صیفی، محمد رضا(۱۳۸۹)، پیشگیری از وقوع جرم و آسیب های اجتماعی، نشر میزان، تهران.
 - ۶- فتحعلی، علیرضا (۱۳۸۹)، نظارت و بازرسی علاج قانون گریزی، انتشارات امیران، تهران.
 - ۷- کاتوزیان، ناصر(۱۳۷۶)، فلسفه حقوق، به نشر، تهران.
 - ۸- کاتوزیان، ناصر(۱۳۶۶)، حقوق مدنی، چاپ دوم، انتشارات سمت، تهران.
 - ۹- محسنی، علی(۱۳۸۹) حقوق دادرسی، انتشارات میزان، تهران.
 - ۱۰- مهریار، امیر هوشنگ، جزایری، مجتبی(۱۳۷۷)، اعتیاد و پیشگیری و درمان، نشر روان پویا چاپ اول، تبریز.
 - ۱۱- نادری، میثم(۱۳۸۹) علل قانونگریزی در ایران، انتشارات امیران، تهران.
- نظر سنجی از مردم تهران درباره ی چگونگی رعایت قانون(۱۳۷۴)، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه های صداوسیما جمهوری اسلامی ایران..

12 www.hemayat . brogfu.com

13 Boudon . Bourricaud(1989)Law and application;357

14 WWW.wikipedia . com

Investigating the Effect of Legislation on the Prevention and Reduction of Crimes and the Strengthening of Order and Security in the Community

Ahmad Shah Baz¹, Seyyed Mahmoud Mousavi^{2*}, Mahdi Rajabi³, Ali Norouz Damghani⁴

Received: 2017/08/30

Accepted: 2018/03/06

Abstract

Legislation in scientific assemblies and writings is used as a concept that believes in the authenticity of the law and the legal and legal principles in the relations between the people and the state as well as the relations between the people themselves. According to this belief, in international politics, international behavior is not the criterion of government performance, but of moral and social conditions, but the legal and subsidiary conditions of that criterion.

Most lawmakers are of the opinion that the state is a product of law, and that it should consider only legal, legal and judicial jurisdiction over the state, society and the state, albeit with varying degrees of morality and religion. On the other hand, one of the most important problems of today's society, evasion of law in every field has created many problems for society.

At the same time as the expansion of the industrial revolution and the extent of the needs, the deprivations from the impossibility of meeting the demands and demands of life have led to a sharp expansion of corruption, revenge, criminality, theft, and as a general crime. Legal and legal. The crime is considered to be any act or current detention which has been punished in the law for that punishment. There is a meaningful relationship between commitment to the law and crime prevention and reducing crime, and consequently the increase in the level of discipline and security of a community is a subject that has been considered in this study.

Key words: Lawmaking, order and security, crime reduction, law, crime.

¹- Master of Applied Mathematics - Research in Operations

^{2*}- Senior security expert

³- Senior security expert

⁴- Bachelor of Business Administration